

تاریخچه شب یلدا

شرق شناسان و مورخان متفق القولند که ایرانیان چند هزار سال است که شب ...



• شرق شناسان و مورخان متفق القولند که ایرانیان چند هزار سال است که شب یلدا آخرین شب پاییز و آذر ماه را که درازترین و تاریک ترین شب در طول سال است تا سپیده دم بیدار می مانند، در کنار یکدیگر خود را سرگرم می کنند تا اندوه غیبت خورشید و تاریکی و سردی روحیه آنان را تضعیف نکند و با به روشنی گراییدن آسمان (حصول اطمینان از بازگشت خورشید در پی یک شب طولانی و سیاه که تولد تازه آن عنوان شده است) به رختخواب روند و لختی بیاسایند.

مراسم شب یلدا (شب چله) از طریق ایران به قلمرو رومیان راه یافت و جشن «ساتورن» خوانده می شد. جشن ساتورن پس از مسیحی شدن رومی ها هم اعتبار خود را از دست نداد و ادامه یافت که در همان نخستین سده آزاد شدن پیروی از مسیحیت در میان رومیان، با تصویب رئیس وقت کلیسا، کریسمس (مراسم میلاد مسیح) را ?? دسامبر قرار دادند که چهار روز و در سال های کیبسه سه روز بیشتر از یلدا (شب ?? دسامبر) فاصله ندارد و مفهوم هر دو واژه هم یکی است. از آن پس این دو میلاد تقریباً باهم برگزار می شده اند.

آراستن سرو و کاج در کریسمس هم از ایران باستان اقتباس شده است، زیرا ایرانیان به این دو درخت مخصوصاً سرو به چشم مظهر مقاومت در برابر تاریکی و سرما می نگریستند و در خور روز؛ در برابر سرو می ایستادند و عهد می کردند که تا سال بعد یک نهال سرو دیگر کشت کنند.

پیشتر، ایرانیان (مردم سراسر ایران زمین) روز پس از شب یلدا (یکم دی ماه) را خور روز و دی گان؛ می خواندند و به استراحت می پرداختند و تعطیل عمومی بود. در این روز عمدتاً به این لحاظ از کار دست می کشیدند که نمی خواستند احیاناً مرتکب بدی کردن شوند که میترائیسم ارتکاب هر کار بد کوچک را در روز تولد خورشید گناهی بسیار بزرگ می شمرد. هرمان هیرت، زبان شناس بزرگ آلمان که گرامر تطبیقی زبان های آریایی را نوشته است که پارسی از جمله این زبان ها است نظر داده که دی- به معنای روز- به این دلیل بر این ماه ایرانی گذارده شده که ماه تولد دوباره خورشید است. باید دانست که انگلیسی یک زبان گرمانیک (خانواده زبانهای آلمانی) و از خانواده بزرگ تر زبان های آریایی (آرین) است. هرمان هیرت در آستانه دی گان به دنیا آمده بود و به زادروز خود که مصادف با تولد دوباره خورشید بود، مباحثات بسیار می کرد.

فردوسی به استناد منابع خود، یلدا و خور روز، را به هوشنگ از شاهان پیشدادی ایران (کیانیان که از سیستان پارس برخاسته بودند) نسبت داده و در این زمینه از جمله گفته است:

که ما را ز دین بهی ننگ نیست

به گیتی، به از دین هوشنگ نیست

همه راه داد است و آیین مهر

نظر کردن اندر شمار سپهر

آداب شب یلدا در طول زمان تغییر نکرده و ایرانیان در این شب، باقیمانده میوه هایی را که انبار کرده اند و خشکبار و تنقلات می خورند و دور هم گرد هیزم افروخته و بخاری روشن می نشینند تا سپیده دم بشارت شکست تاریکی و ظلمت و آمدن روشنائی و گرمی (در ایران باستان، از میان نرفتن و زنده بودن خورشید که بدون آن حیات نخواهد بود) را بدهد، زیرا که به زعم آنان در این شب، تاریکی و سیاهی در اوج خود است.

واژه یلدا، از دوران ساسانیان که متمایل به به کارگیری خط (القباي از راست به چپ) سریانی شده بودند به کار رفته است. یلدا- همان میلاد به معنای زایش- زاد روز یا تولد است که از آن زبان سامی وارد پارسی شده است. باید دانست که هنوز در بسیاری از نقاط ایران مخصوصاً در جنوب و جنوب خاوری برای نامیدن بلندترین شب سال، به جای شب یلدا از واژه مرکب شب چله (?? روز مانده به جشن سده، شب سیاه و سرد) استفاده می شود؟

خور روز (دی گان)- یکم دی ماه- در ایران باستان در عین حال روز برابری انسان ها بود. در این روز همگان از جمله شاه لباس ساده می پوشیدند تا یکسان به نظر آیند و کسی حق دستور دادن به دیگری را نداشت و کارها داوطلبانه انجام می گرفت، نه تحت امر. در این روز جنگ کردن و خونریزی، حتی کشتن گوسفند و مرغ هم ممنوع بود. این موضوع را نیروهای متخاصم ایرانیان می دانستند و در جبهه ها رعایت می کردند و خونریزی موقتاً قطع می شد و بسیار دیده شده که همین قطع موقت جنگ، به صلح طولانی و صفا انجامیده بود.